



2015 /07/17

نصیبه اکرم حدیری

انکشاف اقتصادی افغانستان در دوره شهید داودخان از زبان عزیز فروغ، سابق وزیر پلان افغانستان

پیشگفتار:

امروز که سالگرد 26 سرطان، این سر آغاز بی انجام فصلی از امید برای یک فردای روشن وطن را تجلیل میکنیم، به رهبری می اندیشم که به شهادت تاریخ بخاطر مردمش و برای کشورش، خود و خانواده عزیزش را قربانی نمود. ملت افغان مرهون خدمات، فداکاریها و قربانی های این قهرمان است و برماست تا ابعاد آرزوهایش را برای افغانستان هر چه بیشتر بشناسیم، نه اینکه با سر بلندی اش، با عقده نگاریها بر اهداف ملی و شخصیت این راد مرد تاریخ قلم را تازبانه سازیم.

آناینکه خون داده اند، معنی قربانی را با دل احساس میکنند و درد آن تا تار و پود وجود شانرا میلرزاند، خوب میدانند که انسانهای که بیدریغ بخاطر آرمانهای عالی انسانیت رزمیده اند تا تاریخ کشور خود را رقم بزنند، نباید که قربانی شان مورد چپاول نظاره گرانی قرار گیرد که از آن دریای خون چیزی نمیدانند و معنی این قربانی بیدریغ را نمیشناسند.

محمد داود خان شهید در حقیقت سازنده راستین تاریخ وطن است که با عشق ملی و آرمان های برتر از جان، خود و خانواده نجیب اش را در جام سخاوتمندانه ایثار گذاشت و با درک رسالت ملی اش فداکاری نمود.

من امروز بیانیه برافراشتن بیرق جمهوری این زعیم ملی را که از صدای ایشان روی کاغذ ریخته ام، خدمت خوانندگان محترم پورتال افغان جرمن آنلین تقدیم میدارم. بعد از بیانیه این رهبر شهید من مصاحبه محترم عزیزاله فروغ وزیر اسبق پلان را که با تلویزیون خلا انجام داده اند و ایشان پلان های پنج ساله و هفت ساله سردار محمد داود خان شهید را با ملت در میان گذاشته اند و من آنرا از صدای ایشان را به نوشتار در آورده ام خدمت تان تقدیم میدارم. لینک این مصاحبه را نیز در آخر مصاحبه جا داده ام. اگر اشتباهی در نوشتار رخ داده باشد، من از جناب ایشان طلب پوزش دارم.

چه بیرغ دی کر اوچت بنکلی ربا وه

د وطن له خپلواکی پورته خلا وه

هر سهار خوری نغمی په کلی، کور وې

اتحاد وو، اتفاق وو، او خندا وه

نه د اېنکو وو باران نه سری سلگی وی

نه تورتم وو، نه ماتم وو، بنه بریننا وه

د وطن په ننگ دی پاکی وینی ورکړی

د تودو وینو باران تا له وفا وه

ستا په مینه می قسم چه ته عزت وی

لوی افغانه قربانی تا له پیدا وه

" قسمت "

بیانیه برافراشتن بیرق جمهوری

4 جون 1976

برادران عزیز و هموطنم!

افتخار دارم که برای بار اول در تاریخ پر افتخار چندین هزار ساله این سرزمین کهن به لطف خداوند بزرگ و توانا و به نام ملت نجیب افغانستان این پرچم ملی نظام جمهوریت نوین وطنم را که به اراده مردم ما، به همت سربازی

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

فرزندان وطنپرست و اردوی غیور آن به تاریخ 26 سرطان 1352 اعلام و تاسیس گردید، امروز رسماً بر فراز مقر ریاست جمهوری بلند میکنم.

این نظام مردمی یعنی جمهوریت مال موروثی یک شخص و یا یک طبقه خاصی نیست، بلکه مال هر فرد ملت نجیب افغانستان میباشد و حق دارند و خواهند داشت کسانی را که لایق و شایسته زمامداری خود بدانند، خود انتخاب کنند و خود تعیین نمایند. حفظ و نگهبانی این نظام فرخنده و افتخارات آن، بدون شک فدا کاریها و از خود گذریهای همه جانبه ملت افغانستان را ایجاب میکند.

به شهادت تاریخ در پیکار زندگی همیشه در برابر تجاوز و استعمار ایستاده گی کرده ایم و ضمناً از دسایس و حیلہ های آن صدمه و آسیب بسیاری دیده ایم. هر وقت که استعمار در صدد عقب نگهداشتن ملتی از کاروان پیشرفت تکامل بر آمده است، اولین و مهمترین وسیله ایکه به کار برده اند، تولید بدبینی و نفاق بین اشخاص و طبقات و رخنه کردن در بنیان وحدت ملی آن بوده است. درس های تلخ تاریخ نباید فراموش خاطر ما گردد. فکر استعمار و استعمارگری هنوز در دنیای ما وجود دارد. اگر شکل ظاهری خود را تغییر داده است، اما در هدف اصلی آن باورنمی کنم تعدیل و تغییری وارد شده باشد. لذا وظیفه هر فرد و تندوست افغان است تا برای بقا و سعادت ملی خود و حفظ نظام جمهوری خود، در هر چه نگاه میکند، هر چه می بینند، و هر چه میشوند، آنرا در روشنی حقایق فوق تعلیل کنند و قضاوت شان آگاهانه و عاقلانه باشد.

دوستان عزیز!

اکنون قریب ده ماه از عمر نظام جمهوریت مامیگذرد. در ظرف این مدت بسا چیزها دیدم، بسا چیزها شنیدم و بسا چیزها آموختم. گاهی در ایمان و دینات ما به نظر شک و تردید نگرینتند و گاهی ما را فاقد ادیالوژی قلمداد نمودند. اما آنچه خود ما در راه خدمت به وطن خویش انجام داده ایم، خود و وجدان ما میدانیم که چه کرده ایم و بهتر است قضاوت آنرا به زمانه و تاریخ آینده کشور بگذاریم، اما به آنانیکه ما را گاهی به این صفت و آن صفت یاد میکنند، باید خاطر نشان سازم که اتهامات شان نسبت به ما نه تنها کاملاً غرض الود و عاری از حقیقت است، بلکه توهین به صفت وطن پرستی و تحقیر به غرور نسل نوین افغان است.

برادران عزیز!

یقین داشته باشد انسانهای فاقد ایمان و مسلک هیچگاه مصدر خدمات بزرگ و ارزنده ای برای وطن و جامعه خود نشدند و نخواهند شد. در ظرف این چند ماه نشرات ضد و نقیض چه از راه جراید و رادیوها و چه از طریق اظهارات و بیانات مردمان مزدور پاکستان نسبت به وطن ما و راجع به مناسبات پاکستان و افغانستان شنیدیم. چنانچه شاعلی بوتو صدر اعظم پاکستان در بیانیه اخیر خود در لاهور خود گفته است که پاکستان برای مذاکره با افغانستان آماده میباشد تا معلوم گردد که روابط عادی بین دو کشور بر اساس خودمختاری ملی و تمامیت ارضی بر قرار شده میتواند یا نه؟

دوستان عزیز!

میدانم مفهوم این جملات از نظر آنانیکه به زبان دیپلوماسی آگاهند، پوشیده نمیماند، اما چرا به زبان ساده و عام فهم مردمان خود ماحرف نزنیم، تا همه بدانند که چه میگوئیم و حقیقت از چه قرار است. روابط عادی که فعلاً بین ما موجود است، پس مقصد از روابط عادی که صدراعظم پاکستان به آن اشاره نموده آند چیست؟

چنانچه بارها گفته شده، یک بار دیگر تکرار میکنم که بین ما و پاکستان جز قضیه پشتونستان و سرنوشت برادران پشتون و بلوچ ما هیچ اختلاف دیگری وجود ندارد. آیا بهتر نمیشد که جناب بوتو نظر فراخ و وسعت و حسن نظر و با دور اندیشی به غرض حفظ صلح و سلامت این منطقه آسیا که همه ما در آن زیست میکنیم، میگفتند که پاکستان برای مذاکره با حکومت افغانستان آماده میباشد. درینصورت به کمال حسن نیت دور میز مذاکره می نشستیم، چه بهتر که به نتیجه مطلوب می رسیدیم و الی موقف فعلی خود را طوری که است میتوانستیم و میتوانیم حفظ کنیم. بهر صورت، آن کار آغای بوتو صدراعظم پاکستان است. آنچه مربوط به حکومت افغانستان است میتوانم بگویم موقف ما روشن است و برای هر گونه مذاکراتیکه در آن قید و شرط قبلی موجود نباشد، حاضر و آماده هستیم. ملت افغانستان همیشه مردم صلح دوست بوده و میباشد. دوستی و صمیمیت سعادت و خوشبختی بشر را جز در سایه صلح و صفا سراغ ندارد و به این اساس است که پایه و غایه سیاست خارجی ما باحفظ منافع ملی و تمامیت ملی افغانستان عزیز به اساس احترام متقابل و دوستی با همه مردم ملل جهان استوار است و خواهد بود.

آنچه را امروز برافراشتیم پرچم ملی ما است، این سمبول انقلاب ما و نظام جمهوریت ماست. این سمبول آزادی، برادری و برابری ماست. پس بیائید ای خواهران و برادران! ای پیر و جوانان وطن تا با صفای قلب و به صمیمیت

د پانوی شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

کامل، دست به دست همدیگر خود داده و در پرتو شعار جمهوریت و تحت سایه این بیرق مقدس ملی خود که در سر تا سرکشور ما امروز برافراشته میشود، باشور و عزم خلل ناپذیر به سوی زندگی بهتر و فردای امید بخش تری، به امید سعادت و سر فرازی وطن ما افغانستان عزیز پیش برویم .

پاینده آباد افغانستان

زنده باد جمهوریت، جاوید و سر بلند باد بیرق افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم انکشاف اقتصادی افغانستان در دوره شهید سردار محمد داود خان مصاحبه محترم عزیزالله فروغ، سابق وزیر پلان با

Zala Afghan Community TV

تهیه نسخه قلمی: نصیبه اکرم حیدری

بسیار تشکر از اینکه از من دعوت کردید یا خواستید که در مورد سردار محمد داود خان شهید و هم ایشان در انکشاف اقتصادی افغانستان و در امور اقتصادی صحبتی با شما داشته باشم.

سردار محمد داود خان در تاریخ اقتصادی و سیاسی افغانستان بدون تردید یکی از شخصیت های نامدار و ماندگار به شمار میرود. نقش سردار موصوف در ایجاد سیستم پلان گذاری و تثبیت موقف بیطرفی افغانستان و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی افغانستان با کشور های متحابه و بالاخره تغییر نظام سیاسی افغانستان غیر قابل انکار است، غیر قابل تردید است.

در سپتمبر 1953 زمانیکه اعلیحضرت محمد ظاهرشاه؛ داود خان را موظف ساخت تا بحیث صدراعظم ایفای وظیفه بکند، و انها را انتخاب کردند، اوضاع اقتصادی و اجتماعی افغانستان به اساس هر معیاری که ما و شما قضاوت بکنیم، سبب نگرانی و اندیشه زیاد بود. با وجود اینکه در بین سال های 1932-1952 در ساحه اقتصادی اقداماتی توسط بخش خصوصی و دولت صورت گرفت، اما در ساختمان اقتصادی افغانستان تغییر محسوسی ایجاد نشد.

جمعیت افغانستان سالانه 0.6% زیاد شد، اما در عایدات مردم تغییر مثبتی ایجاد نگردید. و عقیده تحلیل گران و کسانی که با اقتصاد افغانستان آشنایی دارند و متخصصین معروف سطح زندگی و عایدات فی نفر در این دوره کاهش یافت. به صورت واقعی زیر بنائی اقتصادی اعمار نشد و فعالیت های اقتصادی در چهار چوب بازار های محلی انجام میگردد. البته من بعضی از شاخص ها را در اینجا یادداشت کرده ام که خدمت شما عرض میکنم، بسیار به سرعت. در سال 1335 در افغانستان سمنت تولید نمیگردید. تولید برق محض 35 میلیون کیلو وات فی ساعت بود. تولید زغال 29 هزار تن بود. تعداد عراده جات در کل مملکت 5350 عراده بود. سرک قیر پخته و سرک کانکریت وجود نداشت. حتی یک و جب هم موجود نبود.

تعداد داکتران و معاون داکتران در تمام مملکت 149 نفر بودند و صرف 126 هزار طفل به مکتب میرفت. اگر چه در قسمت زرع لبلبو و پخته در ساحه زراعت تغییرات آمد و بخش خصوصی کارهای کرد، اما در واقع در سیستم آبیاری افغانستان که برای زراعت مفید است و سایر قسمت های زراعت که هیچکاری نشد.

تمام سعی دولت منحصر به پروژه هلمند بود، هر چند زیربناها ساخته شد؛ بند کجکی، ارغنداب و کانال بغرا، اما این زیربناها بنا بر اینکه سرمایه گذاری های بسیاری کار داشت و سایر تلاش های دیگر باید صورت میگرفت، در حیات مردم کدام تاثیر نداشت. این اوضاع نابسامان اقتصادی احساسات عامه و طبقات روشن فکر افغانستان را برانگیخت. حلقه دربار نیز به این اعتقاد گرائیدند که دولت باید برای بهبود شرایط زنده گی مردم اقدام کند و مسوولیت انکشاف اقتصادی را به عهده بگیرد. انتصاب محمد داود خان به حیث صدراعظم در این مقطع تاریخ در واقع پاسخی بود، به این خواست ها و تمنیات. و هم سردار موصوف از صفات وطن دوستی، پاک نفسی، سخت کوشی و مدیریت، مدیریت سالم و مؤثر برخوردار بود. و ظرفیت این را داشت که در انکشاف افغانستان نقش مثبت ایفا کند. محمد داودخان به منظور بهبود اوضاع و شرایط اقتصادی و اجتماعی افغانستان در ابتدا اقتصاد رهنمائی شده را اعلان کرد و بعداً خواست که این اصول را در چوکات پلان های پنج ساله هم تطبیق کند. انگیزه ها برای پلان پنج ساله از نگاه بین

د پانوی شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

المللی هم موجود بود. کشورهای که بعد از استعمار و بعد از جنگ دوم به آزادی رسیده بودند و آزادی سیاسی خود را کسب کرده بودند، میخواستند آزادی اقتصادی هم پیدا کنند. آزادی اقتصادی از راه انکشاف صنایع مخصوصاً میسر بود و انکشاف پول و سرمایه کار داشت و اعتقاد عمومی بر این بود که بخش خصوصی فاقد سرمایه است، و فاقد دانش تخنیکی است و بنا بر آن فقط دولت ها میتوانند که سرمایه لازم را و دانش لازم را داشته باشند و وظیفه انکشاف را به دوش بگیرند. بنا بر آن داود خان هم از این شرایط بین المللی، و از این اعتقاد بین المللی، و اعتقاد علمای بین المللی که هم در این ترتیب بود، متأثر شد و متأثر شده بود. بعضی مردم البته اشتباه میکنند که میگویند: " داود خان این مدل را از اتحاد شوروی قرض کرد" و در حالیکه علما دیگر قبلاً تیسس ها و بیاناتی داشته اند و ذهنیت بین المللی بر همین گرایده بود که وظیفه دولت ها است که انکشاف را باید تأمین بکنند. بنا بر آن پلان یک وسیله بود برای این کار. محمد داود خان پلان اول اقتصادی را در سال 1335 مطرح کرد. در حالیکه اساسی بر پلان وجود نداشت. احصائیه نبود حتی از پوهنهی انجینری و زراعت فارغ التحصیلی وجود نداشت، او در حالیکه این پوهنهی ها در وقت صدارت آنها تاسیس شده بودند ولی هنوز حاصلی از آنها گرفته نشده بود و هنوز محصول ایشان وجود نداشت. مگر با جرئتی که داشت و اعتقادی که برای پیشرفت داشت این کار را شروع کرد. و او به زیربنای اقتصادی و اعمار زیربنا قدامت داد، برای اینکه تاسیس زیربنای اقتصادی سالها احساس میشد و انکشاف زیربنای اقتصادی و محصولات و انرژی ضرور بود. برای انکشاف سایر بخش های اقتصادی مخصوصاً بخش های صنعتی و بخش های زراعتی و از طرف دیگر دریافت کمک در آن وقت که جنگ سرد بود، بین گروپ غرب و گروپ شرق و بلاک شرق و غرب. این آسان تر بود که آدم برای پروژه های زیربنایی کمک بگیرد و قرضه های میسر شود، چرا که هر کدام ایشان میخواستند که به یک ترتیبی کمک کنند، که کمک شان موجه باشد و هر کس آنرا ببیند. پس به این ترتیب پلان اول مطرح شد و در آن 10.6 میلیارد افغانی سرمایه گذاری شد و یک زیربنایی نسبتاً وسیع بنیان گذاری شد. پروژه های بسیار اساسی تطبیق شد و روی دست گرفته شد.

و در پلان دوم این کارها تکمیل شد و پلان دوم هم در سال 1341 زیر قیادت و رهنمائی سردار محمد داود خان ترتیب شده بود. در هر دو پلان در واقع 35.6 میلیارد افغانی مصرف شد به شمول 525 میلیون دالر. و پروژه های بسیار اساسی بوجود آمد. من یک لست اندکش را دارم، که ببینید شما که این شاخص ها چطور حرکت کرده اند: تعداد عراده جات در طول همین 10 سال از 5,000 به 45,000 رسید، 1886 کیلومتر سرک قیر و کانکریت اعمار شد، دستگاه سمنت جبل السراج و غوری تکمیل شد و تولید سمنت در سال اخیر پلان دوم به 177,000 تن رسید. ظرفیت های برق با احداث نعلو و ماهیپر و غوری اینها توسعه یافت و تولید برق از 36 میلیون کیلووات ساعت در سال 1335 به 302 میلیون کیلو وات ساعت در اخیر پلان دوم رسید. تولید زغال سنگ از 29 هزار تن که پیشتر عرض کردم در سال اخیر پلان دوم به 162 هزار تن افزایش یافت. به این ترتیب محمد داود خان بدون شک با تطبیق پلان ها با طرح پلان ها و با مدیریت بسیار خوب توانست نقش خود را در تاریخ اقتصادی افغانستان بگذارد. و ما و شما این را می بینیم که در افغانستان چقدر فساد است. اگر شخصیت محمد داود خان نمی بود، بسیار امکان داشت که همان پلان ها هم تطبیق نشود پلان اول. ولی پاکلی و صفائی او در واقع یگانه تضمین تطبیق همین پلان ها بود که همین پروژه های اساسی به میان آمد.

در زمانی که محمد داود خان بار دوم به قدرت رسید باز هم بعضی شرایط خاص در کشور حاکم بود و انکشاف اقتصادی متأسفانه با رکود مواجه بود، از نگاه سیاسی دیموکراسی پارلمانی شگوفان نشد، قانون احزاب، قانون شوراها و ولایتی و قانون انتخابات بلدیها تو شیخ نگردید و بالاخره در وقت مرحوم شفیق انتخابات همان دوره که باید میشد؛ معطل شد. قوای ثلاثه از هم [تفکیک] نشدند و احزاب بدون قانون در حقیقت فعال بودند. در ساحه های اقتصادی پلان پنج ساله سوم با مشکلات زیادی مواجه شد، اول کشورهای غربی و امریکا که سنگ دیموکراسی را بر سینه میزدند در تمویل پلان سهم اساسی نگرفتند. در پلان مورد تجدید نظر قرار گرفت و از سطح سرمایه گذاری پلان سوم % 28 کاسته شد و بالاخره سطح سرمایه گذاری ها در پلان سوم نسبت به پلان دوم % 18 کمتر بود.

در پلان چهارم که در زمان سلطنت طرح شد، اعتراف شده است، در همین صفا اول متن انگلیسی که رشد اقتصادی در پلان سوم سالانه % 1.5 بود، و در حالیکه رشد نفوس % 2.3 بود. و بنا بر آن سویه زنده گی در پلان سوم پایان آمد، عاید فی نفر کم شد و در اثر قحطی های متواتر 2 سال (1350 و 1351) نیم میلیون نفر تلف شد. مطابق راپوری که UNICEF نوشته، کسر کشت گندم در آخر پلان سوم به نیم میلیون تن رسید. و مطابق یک سروی ایکه در پلان سوم صورت گرفت تخمیناً % 47 ظرفیت های صنعتی و انرژی عاطل بود و بالاخره پاکستان

د پانوی شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

نوت های صد روپیه گی و پنجاه روپیه گی را در موقع جنگ بنگله دیش از چلند کشید و این حادثه بعضی از تجار و قسمتی از مردم را صدمه زد.

آغای شفیق در مورد اقتصاد و اینها بعضی کار های کرد که مفید بود، مثلاً بودیجه در وقتش تصویب شد، [معاهده] آب هلمند تصویب شد، صادرات بهبود یافت، قروض خارجی که در شورا معطل بود؛ تصویب شد. اما این در شرایط همان روز مردم را قانع نمی ساخت، مردم را قانع ناساخت. و لذا میتوان گفت که وضع دشواری همان دوره علاج ندارد که انگیزه برای ظهور مجدد داود خان و کودتای او نباشد. اگر چه از نگاه خود من، شخصاً کودتا یک عمل قانونی نمیباشد. و بسیار ایده آل می بود که مناقشات خاندان سلطنتی از طرق تفاهم و با در نظر داشت منافع مردم حل میشد.

اما تحمل شرایط فوق مخصوصاً تطبیق ماده 24 قانون اساسی که محمد داود خان را از فعالیت باز میداشت، سبب [کودتا] ومسائل بفرنج گردید. به هر صورت کودتای صورت گرفت، نظام سلطنتی به نظام جمهوری تبدیل شد. خوشبختانه که کودتاه سفید بود و خون هموطنان ما خوشبختانه نریخت. اما وسیله و ابزاری که محمد داود خان برای تغییر نظام و برای رفع معضلات مورد استفاده قرار داد، مساعد نبود. استفاده از کمونست ها مشکلاتی [را] ایجاد کرد که تا امروز این مشکلات ادامه دارد. طوری که ما و شما می بینیم و این ممکن است آنها نیات دیگری داشتند و میخواستند از راه دیگر افغانستان را به یک گروپ قابل اعتماد بسپارند. اما همان فرصت میسر نشد. من در وقتی که داود خان کودتا کرده بود و رئیس دولت بود؛ روزی برای من آغای خرم مرحوم که معین بود در آن وقت برای من گفت که شما را داود خان خواسته و من خدمت ایشان رفتم، او آن وقت در وزارت دفاع بود، من دیدم که بیسار علاقمند بود بر پلان و میخواست بفهمد که پلان چهارم چطور است و چطور میتواند تطبیق شود.

من البته بعضی مسائلی را که می فهمیدم به آنها گفتم و به آنها پیشنهاد کردم که پلان چهارم نباید لغو شود بلکه در قالب پلان ها سالانه امکان تطبیق آن وجود دارد، و آنها ظاهراً چیزی نگفتند، اما اعتقاد من همین است که پذیرفتند و سپس وزارت پلان به اساس پلان های سالانه همان پروژه و اهداف پلان چهارم را مسلسل پیاده کرد، و البته بعضی تغییراتی آمد که مطابق پالیسی دولت بود و تحولات بسیار خوبی در همین دوره واقع شد. در همین دوره انتقال در بین پلان 7 ساله و دوره سلطنت یعنی در همین طول مدت انتقال که پلان 7 ساله او می رسید، عواید دولت از 6.1 میلیارد افغانی در سال 1351 به 13.9 میلیارد افغانی، در سال 1976 زیاد شد.

مزیداً بودیجه عادی به مقصد تمویل اقتصادی از 462 میلیون افغانی به 2.8 میلیارد افغانی بلند رفت. صادرات از 124 میلیون دالر در سال 1351 به 310 میلیون دالر افزایش یافت. ذخایر اسعاری مملکت از 55.7 میلیون دالر در همین مدت، در همین مدت 4 سال به 215 میلیون دالر بالا رفت. ذخایر اسعاری مملکت از 55.7 میلیون دالر در سال 1351 به 215 میلیون دالر در چهار سال آینده یا در سال 75-1976 رسید.

و بالاخره در پایان 1976 ذخایر اسعاری به 315 میلیون دالر بالا رفت. ظرفیت های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت، در تولید برق، شکر، نساجی، زغال، سمنت و سایر مواد افزایش قابل ملاحظه رویداد. نرخ تبادل اسعاری از 80 افغانی در برابر 1 دالر به کمتر از 50 افغانی در برابر 1 دالر ترقی کرد. مصارف انکشافی از 4.9 میلیارد افغانی در 1351 به 8.4 میلیارد افغانی در 77-1976 زیاد شد. در تطبیق پروژه ها سرعت به خرج داده شد. کار بعضی از پروژه های مهم از قبیل برق کجکی، شهره کابل- گردیز تکمیل شد، تلویزیون موفقانه تاسیس شد، بس های برقی که یک پدیده نو بود که تطبیق شد. بهبود شرایط اقتصادی در دوره انتقال 1973 تا 1976 و 77 وضع را برای طرح پلان های هفتم بسیار مساعد ساخت. اهداف پلان هفت ساله متکی به اهدافی بود که در بیانیه خطاب به مردم سردار شهید محمد داود خان منعکس شده بود که به الفاظی که من بگویم؛ رشد اقتصادی و کاهش فقر بود.

یکی از اهداف استفاده از آب و خاک افغانستان بود، تاسیس صنایع اساسی و کلیدی بود، توسعه امواج و نقاط انکشاف در سطح کشور بود. برای اینکه اینطور فکر میشود که انکشاف در چند جای محدود مانده در طول سالها باید این وسیع شود، و سایر نقاط را هم دربر بگیرد، و اساسی برای توسعه این پیدا شود، و توزیع بهتر عایدات و تامین عدالت نسبی بود.

در مورد پلان، اهداف پلان نظریات متفاوتی موجود است، بعضی مردم شاید بدبین باشد و بعضی مردم خوشبین باشند. اما با وجودیکه بعضی از حلقه های بین المللی در پلان انتقاداتی داشتند، اما آنرا ستایش هم کرده اند. مثلاً بانک جهانی نگاشته است که: "پلان یک قدم مثبت بوده و کار افغانها یعنی در تربیت پلان زیاد تر هفت پلان دیگر بود،" و انسجام پلان هم نیز قابل تقدیر شناخته شده. در جای دیگر بانک جهانی میگوید که: "این یک پلان هفت ساله یک قدم

شجاعانه بود و وسیله ای موثری برای درک مسائل اقتصادی افغانستان بود که میتواند بر اساس آن روش های برای مقابله به مسائل طرح شود." در جای دیگر پلان هفت ساله را محراقی برای تفکر در مورد راه و رسم آینده افغانستان میشناسند.

یکی از دانشمندان (لویی دوپری) که با وضع افغانستان آشنائی داشت و سالها برای افغانستان کار کرده بود، و کتابی به نام افغانستان دارد، میگوید که: "پلان هفت ساله سندی است که به صورت معقول واقع بینانه بوده و قابل عملی است." البته بانک ملاحظاتی در مورد حجم پلان و صنایع ثقیله داشت، و (دوپری) در مورد سطح سرمایه گذاری خصوصی که پایان پیش بینی شده بود، ملاحظاتی داشتند.

حجم سرمایه گذاری پلان [7ساله] 174 میلیارد دالر بود که به مقایسه هر چهار پلانیکه در افغانستان تطبیق شده بود، تقریباً 3 برابر یا زیادتر بود. و در این پلان یک پروژه خط آهن که اهمیت استراتژیک داشت، و این بالاتر از طرز تفکر پلان گذارها بود، 174 میلیارد افغانی یعنی در حجم پلان بود، و خط آهن 40 میلیارد افغانی پیش بینی شده بود، در پلان هفت ساله که با طرح کردن از این مبلغ بسیار کمی باقی ماند. و اداره پلان یا مرجع پلان با این پروژه استراتژیک البته نمیتوانستند معامله بکنند به ترتیب دیگر. به این ترتیب خط آهن بسیار ضرور بود برای کواپریشن و برای همکاری های اقتصادی بین افغانستان، ایران و حتی پاکستان و این همکاری ها میتوانست سبب استقرار اوضاع در هر سه مملکت شود. قروض و امدادی که برای پلان هفت ساله داده شد به دو میلیارد پنج صد وسی و سه میلیون دالر میرسید و اکثراً منابع آن تثبیت بود. اتحاد شوروی، امریکا تا یک حدی، عربستان سعودی، ایران، اینها همه مبالغ هنگفتی بر پلان هفت ساله دادند. و این خود مشروعیت رژیم محمد داود خان را به اثبات میرساند که در سطح بین المللی اینقدر شناخته شده بود که هر ملک از عراق تا کویت، ابوظبی، دیگر ملکهای عربی و اتحاد شوروی، امریکا، جاپان و چین و همه کس در این سهمگیری کردند.

با تطبیق این پلان تحول اساسی در زنده گی ایجاد میگردد و البته اگر پلان تطبیق میشد، رشد اقتصادی در پلان به صورت اوسط 6.3% تخمین شده بود، اگر عاید فی نفر در شروع پلان 5,000 بوده باشد، و رشد نفوس هم 2.3% ذکر شود، عاید فی نفر میتوانست در طول مدت 18 سال تا 19 سال از دو برابر زیادتر شود. و بر این ترتیب امکان داشت که از فقر تا یک حدی کاسته شود.

امروز که چهل و چند ملک در افغانستان است و میلیارد ها دالر است، بانک جهانی فریاد میکشد که رشد اقتصادی کم شده و اگر این را با نفوس به همین ترتیب که به خدمت شما عرض کردم، عاید فی نفر در افغانستان 22 سال وقت دارد که دو برابر شود. دیگر به این ترتیب آدم فکر میکند که در پلان هفت ساله که ترکیبات بسیار درست بود، و رشد 6% و زیادتر از 6% یک معنی بسیار اساسی از نظر اقتصادی دارد. ظرفیت های کلان هم ایجاد شد، مثلاً ظرفیت برق از 341 میگا وات به 776 میگا وات باید بلند میرفت، و تولید برق از 716 میلیون کیلو وات ساعت به 1,627,000,000 کیلو وات ساعت باید زیاد میشد، و اینها البته تابع پروژه های معینی است که حاجت نیست من تذکر بدهم، مثلاً پروژه برق حرارتی مزار و کابل، استفاده از بند کجکی و کجکی کلان، ساختمان ریل وی به اندازه 1018 کیلو متر تمامش پیش بینی شده بود که از آن جمله 1200 کیلومتر در پلان بود و مصرف او هم بسیار گزاف بود، که بیشتر عرض کردم. سرک حلقوی تکمیل میشد و راه بدخشان باز میشد. در ساحه آبیاری هم پیش بینی های بزرگی صورت گرفته بود.

ساحه سطح آبیاری پروژه های دولتی از 90,000 به 397,000 هکتار زیاد میشد، اگر چه کل اراضی که زیر پروژه های دولتی در نظر گرفته شد به 888,000 میرسید، 888,000 هکتار. اما در پلان 397,000 هکتار شاید تحت آبیاری قرار میگرفت. و اینها بند های بزرگی از قبیل بند بخش آباد فراه رود، تا امروز اسماعیل خان با او در آویز است و حکومت افغانستان راه و چاره اش را پیدا کرده نمیتواند. این سروی توسط فرانسوی ها شده بود [که] 60,000 هکتار را میتوانست آبیاری کند، [دیگری] بند هریرود بود که تا امروز هنوز خلاص نشده و هر روز در انجا میروند و میانند. اما به جای نمیرسد، بند هریرود 73,000 هکتار را آبیاری میکرد، بند کیله گی 53,000 ، بند سرده 13,000، بند پروان 24,800 این دو بالاخره در اخیر پلان نسبتاً تکمیل شدند، و در سال اول و دوم کمونست ها کاملاً تکمیل شدند. و از همه مهمتر پروژه آبیاری خوش تپیه بود در شمال افغانستان آب کافی موجود نیست و افغانستان از دریای آمو هیچ استفاده نکرده بود و بر روسها فشار آورد افغانستان. و در اثر فشار افغانستان قبول کرد، اتحاد شوروی که یک پروژه که 100,000 هکتار زمین را در شمال آبیاری سر خوش تپیه گرفته شود و یک [تعداد] واتر پمپ یا

تسهیلات که پمپ شود به 110 متر مکعب در فی ثانیه در آنجا نصب شود که این یکی از پروژه های بسیار وسیع، بزرگ و مطلوب و سیاسی افغانستان بود.

بند آب گردان خان آباد، مثلاً گوهرگان و کمال خان که 75,000 هکتار [اراضی] را آبیاری میکرد، و آب هلمند را تنظیم میکرد و حق آبه ایرانیان را به همان اندازه به ایشان میرساند. و بند الموم باغ که بالاتر از کجکی در نظر بود، به سرگز، 3 میلیارد متر مکعب، اگر این کار میشد، کاملاً حق آبه ایران منظم میشد. و افغانستان يك چک آبش اصلاً ضایع نمیشد. و بالاخره پرچابه کجکی، دروازه های پرچابه کجکی که نصب میشد، ظرفیت کجکی را از 1.7 میلیارد متر مکعب به 2.7 میلیارد متر مکعب زیاد میساخت.

در ساحه معارف و دیگر جاها البته من نمیخواهم وقت زیاد بگیرم، هم پیشرفت های در نظر بود، تعداد شاگردان معارف از 780 هزار نفر به 1,280,000 باید میرسید، تعداد شاملین مکاتب مسلکی از 4,000 نفر به 40,000 نفر میرسید. در تعلیمات عالی از 8,200 محصل به 11,300 محصل میرسید، در ساحه طب البته فقط دو چیز مهم است بگوئیم که تعداد داکترها از روزیکه که فاکولته طب در وقت اعلیحضرت نادرشاه به وجود آمد، تا همان وقتیکه پلان هفت ساله بود. تعداد داکتران در حدود 1050 نفر بود، که اگر یک کمی ضایعات را در نظر بگیریم، یعنی ممکن است در حدود 1300 و 1400 زیاد داکتر نبوده باشد در افغانستان. اما اینها در پلان هفت ساله 1000 نفر تقریباً بعد از این زیاد میشد. که این خودش راستی یک پیشرفت بسیار کلان بود. و ضمناً کلینیک های صحتی که امروز اینها صحبت میکنند تقریباً در حدود 200 کلینیک باید موجود می بود. و از طرف دیگر چون ما گفتیم که افغانستان باید همه جاهایش انکشاف میکرد، در پلان هفت ساله به انکشاف بدخشان، مناطق مرکزی و ساحه کنر ارزش خاص قایل شده بودند. و پلان بدخشان بسیار منظم توسط فنلندی ها ساخته شد و همین آغای (دویری) به حیث سوسیالوجست در آن کار میکرد. و تقریباً این در داخل 12 جلد به حکومت افغانستان سپرده شد و امکان داشت که برای بدخشان منابع از امریکا و دیگر جاها جمع شوند، و بتواند کاری منطقه بدخشان به صورت اساسی روی دست گرفته شود. همچنان افغانستان مرکزی توسط تیم ملل متحد سروی شد و ساحه کنر هم به همین ترتیب تیم های از سویس، تیم های از ملل متحد و به این ترتیب امکان داشت که ساحه انکشاف وسیع شود، و مردم بسیار زیادتری را احتوا کند. و سویه زنده گی در افغانستان زیاد شد، اما روز به روز پروژه های انکشافی مثلاً در هرات هم پروژه نساجی، پروژه سمنت، و در قندهار پروژه نساجی، پروژه سمنت، و در هرات و مزار شریف برق حرارتی مثلاً کود کیمیاوی پروژه جدید اش اینها همه از پروژه های بسیار با ارزش بودند که در نظر گرفته شده بودند. و خود داود خان عادت این را داشت که بسیار با جرئت بود، من برای شما یک بار عرض کنم که در همین پروژه فراه رود، این کار داشت 140 میلیون دالر کمک برای هر دو مرحله اش. من دیدم که بسیار زیاد است، یک روز امکان صحبت به آنها میسر شد، با رئیس صاحب جمهور مرحوم. من گفتم: "که این به 70 یا 80 میلیون دالر اگر کم شود." مرا گفت که: "نی، نی! این را عرض نکن، من خودم مسوولیت پیدا کردن 140 میلیون را دارم. و این پروژه باید به همین ترتیب تطبیق شود، و از این کاسته نشود." این کمال جرئت بود راستی. و او هم همین جرئت را داشت و هرگز از مشکلات نمیترسید در راه انکشاف. پشتکاری بسیار زیاد داشت، هر روز می برآمد پروژه ها را می دید مثلاً یک روز رفته بود در قسمت پل تخنیک، چک سلواکی ها متخصص شان همراه افغانها پایه ها بس برقی را شانده بودند، برای من تیلفون کردند که در آن وقت آغای خرم فوت شده بود، نبودند و از طرف دیگر داود خان عادت داشت که همراه معین پلان همیشه مصروف بود و گپ میزد و همان عادت قدیم اش در سرش بود. مرا گفت: "که من رفتم آنجا دیدم که این پایه ها را کج شانده بودند، اگر کدام کسی را روان کنید که این را تصحیح کند." بعد همینطور یک تیم از انجینران رفتند، و حقیقتاً هم [پایه ها را] کج نشانده بودند. همان لین درست نبود، گفت من که اینرا در چک سلواکی دیده بودم، این سیستم بسیار مقبول بود در آنجا این رقم نیستند، این باید سعی شود که به همان ترتیب باید مقبول باشد.

جناب آغای نوابی یک تعداد نکاتی بود که من باید خدمت شما قبلاً عرض میکردم. اما متأسفانه فراموش کردم، اما من فکر میکنم که به گفتن شاید به ارزد، از نظر انکشاف اقتصادی افغانستان و بعضی مردم به آن علاقه داشته باشند. لذا چند نکته را ذکر میکنم:

من قبلاً عرض کردم که بین 1971 و 1976 عواید دولت بلند رفت و سبب استقرار وضع اقتصادی شد. در واقع یکی از علل این تعدیل قیمت گاز بود که به اتحاد شوروی صادر میشد. قیمت گاز تا سال 1971-1972 در حدود 5.3 دالر فی 1000 متر مکعب بود اما این تا سال 1976 به 16.10 دالر فی 1000 متر مکعب بلند رفت و ارزش صادرات از 13 میلیون دالر به 40 میلیون دالر رسید، لذا این یک وسیله بود که در دست دولت قرار گرفت. و پرنسیپ تعدیل قیمت بر

د پانوی شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلښکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

اساس قیمت های بین المللی قبول شد. و از این وضع کمونست ها بسیار استفاده کردند، در اواخر دوره کمونست ها قیمت گاز 130 دالر فی 1000 متر مکعب بود. و انها در حقیقت 2.5 میلیارد دالر در طول 10-11 سال از این مدرک گرفتند. اما متأسفانه کل اش را به کشتن افغانها و تخریب افغانستان به کار بردند.

موضوع دیگری که میخواستم عرض کنم، پروژه مس لوگر بود، این پروژه امروز از طرف چینیایی ها کار میشود و دولت قراردادی دارد با آنها. پروژه ذخیره مس لوگر در دو و سه روز بعد از اعلان جمهوریت تثبیت شد و مطالعات تخنیکی اش در سال 1976 ختم شد، و معلوم شد که این معدن بسیار مساعد است که استخراج شود، طرف استفاده قرار بگیرد. امروز ارزش 12 یا 13 میلیون تن مس این معدن در حدود 80 تا 90 میلیارد دالر است. اما افغانستان بر اساس قراردادی که حال دارد، به طول 30 سال آینده شاید تا 12 تا 14 میلیارد دالر از این بگیرد، که در حقیقت از گاو غدودی میگیرد. اما در مطابق آن فرمولی که در آن وقت بود، اگر تحت نظارت دولت [استخراج] صورت میگیرد، شاید افغانستان عواید بسیار زیادی از این معدن میداشت که سبب تحول بزرگ در زنده گی اقتصادی و اجتماعی افغانستان میشد.

یک موضوع دیگری که باید خدمت شما عرض کنم اینست که در آغاز، اساس پلان هفت ساله افغانستان با کشورهای خارجی از طریق چینل سیستم ارتباط داشت، با شبکه ایران و شوروی و پاکستان و این در حقیقت مخابرات افغانستان را بسیار محدود میساخت. هم در داخل محدود بود و هم در خارج، وابسته به لطف و مهربانی همسایه ها بود. دولت در این قسمت یک پلان استراتژیک در دست گرفت و این بود که اول سیستم مایکروویف، که امروز حکومت کابل تطبیق میکند این را در حقیقت بیاورد و جاپانی ها موافقه کردند که از اسلام قلعه تا به تورخم این را تمدید کنند... و روسها هم علاقه گرفتند و اتحاد شوروی همان وقت، آنها گفتند که از حیرتان تا مزار و کابل آنها تمدید میکنند، این سبب میشد که مخابرات داخلی که مثلاً در همان وقت در یک لین کابل تا به قندهار شاید 12 مخابره، 20 مخابره زیادتر صورت گرفته نمیتوانست، مگر به اساس این مایکروویف و فایبر نوری تقریباً تا 300 مکالمه و حتی 900 مکالمه در عین واحد در داخل افغانستان صورت میگیرفت. و بعد یک سیستم گاز ستیشن زمینی را آوردند در آنجا، موافقه شد، مطالعه شد و این را بانک اسلامی کمک می کرد که از طریق اعمار مصنوعی افغانستان بتواند با خارج مخابره کند و به این ترتیب استقلالیت افغانستان کاملاً تامین میشد. و من خودم یادم هست که همراهی یک هیئتی به عربستان سعودی رفتم و این پروژه تثبیت شد، خلاص شد، پیسه اش را آنها موافقه کردند.

اما این فقط یک هفته پیشتر از سقوط جمهوریت محمد داود خان شهید صورت گرفت، و این ارمان بر آورده نشد، تا بالاخره به یک شکل دیگر البته زیر تحولات تکنالوژی طوریکه امروز ما می بینیم این بر آورده شد، مگر در آن وقت آن طور یک پلان نهایت مفید بود.

یک موضوع دیگری که باید من عرض کنم پیشتر هم نگفتم، اینست که هر پلان باید انعطاف پذیر باشد، و پلان هفت ساله هم انعطاف پذیر بود. من به یاد هست به ارتباط ریل وی میخواستم هدایتی از رئیس صاحب جمهور همان وقت مرحوم شهید داود خان بگیرم، با دفتر ایشان ارتباط گرفتم. اکبر جان مرحوم به من گفت که در خانه هستند، و مریض هستند. من گفتم خوب این [موضوع] بسیار مهم است، هیئت فرانسوی میخواهد هدایت داشته باشد. بعد تیلیفون کردند به من گفتند که رئیس صاحب جمهور تو را میبیند و در خانه برو، من خدمت شان به خانه رفتم از من بسیار پذیرائی پر از لطف کردند. و در یک اطاق یا ایشان نشستم. در آن قسمت هدایت دادند و هدایت شان همین بود که این قطارهای آهنی که از ایران و پاکستان میآیند، اینها بتوانند تا هرات بیایند تا قندهار بیایند؟ بعد هدایت دادند که نی خود خط آهن شان نیاید مگر قطارهای که از آن طرف اموال را می آورند یا اشخاص را می آورند توسط ریل افغانستان کش شود، و همچنان آنها میتوانند ارائه متقابلی داشته باشند و ضمناً گفتند ایرانی ها بر سر ما کلا ماندند، البته من درست در آن وقت نفهمیدم که چه رقم کلا ماندند، اما متعجباً گفتند که پلان هفت ساله باید در همین ماه سرطان شما این را تجدید نظر کنید و بر این آماده گی داشته باشید.

دیگر من این را میخواستم که حالا خدمت شما عرض کنم. راستی، اگر تجدید نظر [صورت] میگیرفت، همان قسمت های که واقع بینانه نبود شاید کاسته میشد، و این بر ارزش پلان می افزود. به این ترتیب من فکر میکنم اگر داود خان مرحوم حیات میداشت و پلان پنج سال حتی 60 فیصد تطبیق میشد، افغانستان در منطقه جایگاه مناسبی میداشت و دستخوش آزمندیهای همسایه گان نمیشد.

داود خان شهید در اواخر با قضیه پشتونستان برخورد بسیار عاقلانه کرد. پشتون ها قانون اساسی پاکستان را به رسمیت شناخته بودند و مشکل شان تا حدی حل شده بود. زمینه تفاهم با پاکستان مساعد گردید. و لذا امکان استفاده از منابع طبیعی کشور در یک فضائی آرام سیاسی در منطقه امکان پذیر بود. افغانستان یک کشور محاط به خشکه بود و

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

همیشه به لطف همسایه ها نیازمند است برای انکشاف خود. پاکستان میفهمید که خط دیورند یک سرحد نیست و ضمناً مشکلات افغانستان را درک میکرد و من فکر میکنم که امکان دارد که یک تفاهمی صورت میگرفت و امتیازی به افغانستان داده میشد. در اخیر خداوند داود خان شهید و تمام شهداء افغانستان را مراتب بلند نصیب کند. خداوند افغانستان را از این روز بدی که امروز با آن مواجه است نجات بدهد. و خداوند ملت افغانستان را سر بلند داشته باشد. با احترام من از شما تشکر میکنم برای من این فرصت را میسر ساختید که من مصاحبه را با شما انجام کنم.

پایان

منبع: <http://youtu.be/jkWLTAgWyE1>

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ